

حل مسائل زناشویی

## **SOLVING MARRIAGE PROBLEMS**

راه حل های کتاب مقدس  
برای مشاوران کلیسا

**Biblical Solutions for  
Christian Counselors**

مؤلف : جی آدامز (Jay Adams)  
مترجم : شاهرخ صفوی

## پیشگفتار نویسنده کتاب

سال های نه چندان دوری بود که پیامبران شوم جهان خبر مرگ کانون ازدواج را برای ما می‌آوردند. با ظهور زندگی گروهی و اشتراکی، ازدواج های بی قید و شرط، و قرار داد های ازدواج قابل فسخ به عنوان سبک مدرن و "متمدن" زندگی، آینده زندگی زناشویی به نحوی که در طول تاریخ "سنتی" گردیده بود را غیر قابل دوام میدانستند.

اما با وجود پیش بینی های هولناک این افراد، نه تنها ازواج ها دوام یافته است، بلکه ازدواج های مسیحیان قوی تر از هر زمان گردیده اند. در نتیجه چنین حملاتی به جانب ازدواج، تعلیمات و موعضات بیشتری در خصوص ازدواج ایجاد شده، کتاب های بیشتری نوشته شده، و علاقه زیادی به کسب "فن مشاوره ای ازدواج در کلیسا" به وجود آمده است.

## پیشگفتار مترجم

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است.

شاهرخ صفوی

## فهرست مطالب

۴	.	.	.	.	.	فصل اول: ازدواج نیاز به مشاوره مسیحی دارد .
۷	.	.	.	.	.	فصل دوم: ازدواج شخص مشاور
۱۰	.	.	.	.	.	فصل سوم: چه باعث مسائل زناشویی می شود؟
۱۵	.	.	.	.	.	فصل چهارم: برداشت هائی از ازدواج که خلاف کلام خدا هستند: بخش اول
۲۰	.	.	.	.	.	فصل پنجم: برداشت هائی از ازدواج که خلاف کلام خدا هستند: بخش دوم
۲۷	.	.	.	.	.	فصل ششم: ترکیبات گناه در زندگی : انواع عمومی
۳۰	.	.	.	.	.	فصل هفتم: ترکیبات ویژه گناه در زندگی: بخش اول
۳۸	.	.	.	.	.	فصل هشتم: ترکیبات ویژه گناه در زندگی : بخش دوم

## فصل چهارم

### برداشت هائی از ازدواج که خلاف کلام خدا هستند

#### بخش اول

#### اشتباهات اساسی

هر چند هر گونه اشتباهی امکان ایجاد مسائل و مشکلات را در زندگی زناشویی دارد، در اینجا من صرفاً در مورد برداشت های غلط از زندگی زناشویی که باعث برخورد، رفتار، و انتظارات غلط افراد میشوند، بحث خواهم کرد. در خصوص چنین موضوعاتی است که بسیاری از مسیحیان، حتی مسیحیان آشنا با کلام خدا، دچار اشتباه میشوند. تصویری رویایی از ازدواج دارند. به این دلیل است که ابتدا باید به ماهیت ازدواج بپردازیم.

#### بنیاد ازدواج

اکثر مسیحیان با بنیاد ازدواج آشنائی دارند ولی بسیاری از مقصود آن بی اطلاع هستند. بگذارید در ابتدا اصل مسلمی را اظهار کنم، و بعد بپردازم به رابطه عملی که آن در زندگی زناشویی دارد. اولاً، شخص مسیحی باید درک کند که ازدواج بنیاد روحانی دارد. این ممکن است واضح باشد، ولی امروزه در همه جا عکس آن می شنویم. در مدارس و دانشگاه ها به جوانان ما میگویند که ازدواج به امر خدا نیست، بلکه با صلاحدید انسانی تدبیر یافته است. این دو نقطه نظر نه تنها متضاد یکدیگرند، بلکه مشرف به نتایج شگرفی در زندگی زناشویی نیز میگردند.

اگر ازدواج سازمانی است ربانی، چگونه ای که کلام خدا آن را اعلام نموده، نتیجتاً باید تا زمانی پایدار باشد که خدا مقرر کرده است. قوائد و آرمان های ازدواج باید همان باشد که خدا مقرر داشته، و کسی نباید توانایی ایجاد اصلاحاتی را در آن داشته باشد. و بعکس، اگر ازدواج با تدبیر انسانی ایجاد گردیده، و تمام شرایط آن را انسان وضع کرده، پس انسان نیز میتواند به میل خود آن را تغییر دهد و یا کلاً آن را فسخ نماید.

جوانان ما در کلیسا درک کافی از بنیاد ربانی ازدواج ندارند، و کلیسا از روی سادگی فرض بر آن داشته که این تعلیمات را یافته اند و به قدر کافی آنها را با این مبحث از کلام خدا آشنا نساخته است. در خانواده نیز این کوتاهی دیده میشود. جوانان راجع به ازدواج از کجا خواهند آموخت؟ از تبلیغات رسانه های گروهی؟ در آنجا کاملاً عکس آن را دریافت خواهند کرد. اگر روزانه با چنین پیامی که ازدواج تدبیری انسانی است بمباران شوند، سرانجام آنها خواهند پذیرفت و از آنرو نیز عمل خواهند نمود. و نتیجتاً ازدواج خود را با مصالح نادرست و هدفی ناچیز بنا خواهند ساخت.

بخاطر وضع موجود، مشاوران کلیسا باید نقطه نظر متقاضیان را در خصوص بنیاد ازدواج بدست آورند. فرض داشتن بر آنکه اعضای کلیسا نقطه نظر کلام خدا را در رابطه با ازدواج دریافت کرده اند، بی مسؤلیت و بی ثمر خواهد بود. چنین فرضی فتوای شکست را میدهد. قبل از هر چیز، کیفیت موجود باید معلوم شود. غالباً دیده شده که زن و شوهران مفهوم ازدواج و آنچه که در بر دارد را نفهمیده اند. تمام اعضای کلیسا باید با نکات مهم کلام خدا در خصوص ازدواج تعلیم یابند، بویژه در خصوص برتری آن نسبت به نقطه نظر دنیوی که رواج یافته است.

## مقصود از ازدواج

بسیاری از مسیحیان مقصود از ازدواج را نمی دانند که باعث پیامد های بسیاری شده است. حتی در میان مسیحیان واقعی، نظرات عجیبی در خصوص مقصود از ازدواج شنیده میشود. تا زمانی که زن و شوهر مفهوم و مقصود آن را درک نکرده اند، ازدواجشان یقیناً بدور از آنچه میتواند باشد خواهد بود. مقصود از ازدواج چیست؟ چیست که بعد از جدا ساختن همه چیز دیگر، بعنوان جوهر آن باقی میماند؟ جواب را در کلام خدا می یابیم:

### پیدایش ۲

۱۸: یهوه خدا فرمود: «نیکو نیست که آدم تنها باشد، پس یآوری مناسب برای او می سازم.»

مقصود از ازدواج، تأمین نیازی است که انسان به «یار» دارد. ازدواج چنان طرح شده بود که تنهایی را شکست بدهد. در نتیجه، مقصود از ازدواج تأمین یار و مصاحب برای انسان است. این تأکید را نیز در جای دیگری از کلام خدا می بینیم:

### امثال ۲

۱۶: نیز تو را از زن زناکار رهایی خواهد بخشید و از زن بیگانه که سخنان تملق آمیز می گوید،  
۱۷: که شریک زندگی جوانی خویش را ترک کرده و پیمانی را که در حضور خدای خود بسته، از یاد برده است.

### ملاکی ۲

۱۴: اما شما میگوئید سبب این چیست؟ سبب این است که خداوند در میان تو و همسرۀ جوانی ات شاهد بوده است و تو به وی خیانت ورزیده ای، با آنکه او یار تو و همسرۀ هم عهد تو می بود.

در آیه بالا (ملاکی ۲: ۱۴)، «یار» و «همسرۀ» و «هم عهد»، در رابطه با ازدواج بکار برده شده اند. در آیه (امثال ۲: ۱۷)، «مصاحب جوانی» اشاره به رابطه ای نزدیک و صمیمی می کند. این آیات در مجموع، رابطه ای را نشان میدهند که شامل نزدیکی همراه با تعهد دائمی میباشد. نزدیکی بدون تعهد دائمی کافی نیست، و تعهد دائمی بدون نزدیکی نیز کافی نمیشود. به هر دو این عناصر احتیاج است تا تنهایی شکست بخورد.

عقاید اشتباه زیادی در خصوص مقصود ازدواج وجود دارد. رایج ترین آنها این است که ازدواج بیشتر برای ترویج نسل انسان ایجاد شده است. این عقیده، جفت گیری و ازدواج را با هم قاطی میکند. نسل انسان مانند گاو و گوسفند و سگ و گربه، برای جفت گیری احتیاجی به ازدواج ندارد. یقیناً در بسیاری از نقاط جهان، نسل انسان مانند نسل حیوان بدون تشریفات ازدواج در حال ترویج است!

خیر، ازدواج چیزی بیش از جفت گیری است. ازدواج یار بودن است، و تنها یکی از جوانب آن جفت گیری میباشد. در کتاب مقدس به آنچه یار بودن تلقی شده نوعی صمیمیت میباشد که شامل تمام جوانب طبیعت انسان میباشد. به این خاطر است که روابط جنسی صرفاً در چهار چوب ازدواج محدود شده است. یاری صمیمانه میان دو نفر نمیتواند ایجاد گردد وقتی پای سومی مداخله می کند. زنا، بی عفتی، و حتی بیش از یک زن داشتن، آن یار بودن را که کتاب مقدس تعریف کرده، به تباہ می کشاند، چون صمیمیت نزدیک و دائمی را از میان میبرد. نوعی رابطه انحصاری در عنوان «یک تن» کلام خدا موجود است که بعداً راجع به آن صحبت خواهیم کرد. آنانی که عقیده شان آن است که ازدواج چیزی جز

مجاز کردن روابط جنسی بیش نیست، همچنین راجع به آنچه در قسمت بعد از آن صحبت خواهم نمود، عقیده ای کاملاً خلاف با آن را دارند.

### وظیفه ازدواج

شاید تعجب کنید که وظیفه ازدواج را بطور مفرد عنوان کرده ام، از آن رو که در حقیقت وظایف بسیاری را در ازدواج شامل می شود. دلیل آن است که صحبت از وظیفه ای میکنم که مبنای همه وظایف دیگر میباشد، و آن وظیفه تأمین نیاز همسر خود به یار است. وقتی زن و شوهری به یکدیگر تعهد ازدواج میدهند، چه توجه داشته باشند یا نه (و معمولاً نیستند)، هر یک تعهد می کنند که تا آخر عمرشان یار دیگری خواهند بود. توجه کنید که تعهدشان این نیست که یاری برای خود دریافت خواهند کرد، بلکه یاری برای دیگری خواهند بود. ازدواج تعهد عشقی است که در آن، هر یک عهد میکند که بدون هیچ گونه قید و شرطی، نیازهای همسر خود را تا آخر عمر فراهم کند. در نتیجه، وقتی زن یا شوهری گله دارد که ”من از ازدواج خود راضی نسیتم“، این حرف او مهم است. باید به او گفت:

شما وارد پیمان ازدواج نشدید تا چیزی را دریافت کنید. تعهد شما این بود که برای همسر خود یار باشید، و تمام آنچه شامل آن میشود را انجام دهید. ازدواج نوعی معامله نیست که شخصی در مقابل مقداری که میدهد، مقداری را نیز طلب می کند. تعهدی یک جانبه است برای تأمین آنچه نیاز همسر شما است، حال چه در مقابل آن چیزی دریافت بکنید یا نکنید. پس سؤالی که مربوط به شما میباشد این است، آیا به عهد خود وفادار هستید یا خیر؟

بسیاری ازدواج میکنند تا از آن وسیله چیزی را دریافت کنند. این شهوت است نه عشق، و خلاف کلام خدا است. تعهدی که در ازدواج، همسری به همسر دیگر میدهد، حرکت عاشقانه ای است که شامل دادن است، نه دریافت کردن. شخص مسیحی باید فکر آن را بکند که: ”چگونه میتوانم خدا و همسر خود را خوشنود سازم؟“، و نه ”چگونه میتوانم خودم را خوشنود سازم؟“ وظیفه اصلی ازدواج خوشنود ساختن خدا است، که بوسیله خوشنود ساختن همسر خود ایجاد می شود. این وظیفه اساسی، در نخستین درجات اهمیت قرار دارد، خصوصاً وقتی بحث پیرامون اولویت های ازدواج صورت می گیرد و یا بحث در خصوص مسائل جنسی به میان می آید. درک چنین حقیقتی هشیار کننده است، و جواب بسیاری از گله ها را میدهد. مشاوران ازدواج کلیسا باید معنی آن را بخوبی درک کنند و بیاموزند چگونه از آن استفاده کنند. جنگ افزاری است بدون مشابه. قبلاً اشاره کردم که هنوز خیلی مانده تا آشنایی کاملی از ازدواج بدست آید. در بحث قبلی، صحبت از تعهد شد. حال میپردازم به موضوع مهم دیگر.

### تعهد در ازدواج

از دواج بدون تعهد وضع تأسف باری را خواهد داشت. وقتی هر یک از طرفین، ازدواج را در هر موقع که بخواهند بتوانند لغو کنند، آن ازدواج امکان دوام را نمیتواند داشته باشد. وقتی مسائل و مشکلات ایجاد شدند، که در هر نوع توافقی میان دو گناه کار، دیر یا زود بوجود خواهد آمد، اگر تعهدی در میان نباشد امیدی برای حل اختلافات نیز نخواهد بود. در توافق میان دو نفر، حتی اگر یکی از طرفین گناه کار باشد، بقدر کافی اختلاف ایجاد خواهد کرد ( نمونه آن را عهد میان آدم و خدا می

بینیم)، چه رسد به آنکه هر دو گناه کار باشند. وقتی الزامی برای حل اختلاف وجود نداشته باشد، بسیاری دست می‌کشند و می‌روند.

کلام خدا ازدواج را ”عهد“ تشریح کرده، و این موقرانه و اجبار کننده ترین عنوانی است که برای پیمان میان دو نفر موجود است. بله، ازدواج شامل تعهد میباشد، تعهد به یاری. ازدواج تعهدی است که تمام نیازهای همسر خود را تا آخر عمرتان برآورده خواهید کرد، چه نیاز او جنسی، اجتماعی، روحانی، و غیره باشد. نتیجتاً، کاری تمام شده است. مسیحیان بر خلاف اشخاص دیگر، الزامی ندارند روزانه زیر تهدید طلاق باشند. اجبار بودن چنین تعهدی به آن‌ها این اطمینان را می‌دهد که طلاق چیز گزیده یا اختیاری نیست. این فرق اعجاب انگیزی است که مسیحیان دارند. تعهدی که میکنند برای تمام عمرشان ادامه دارد.

از کجا می‌دانیم که ازدواج توافقی است که شامل تعهد می‌باشد؟ بخاطر آن که در آیات ذکر شده قبل (امثال ۲: ۱۶ و ۱۷، و ملاکی ۲: ۱۴)، عنوان تعهد را دارد. آیه زیر را نیز به آن اضافه می‌کنم:

### حزقیال ۱۶

۸: «و چون از تو گذر کردم بر تو نگریستم و اینک زمان تو زمان محبت بود. پس دامن خود را بر تو پهن کرده، عریانی تو را مستور ساختم و خداوند یهوه می‌گوید که با تو قسم خوردم و با تو عهد بستم و از آن من شدی.»

در حزقیال می‌بینیم، تعهدی که میان خداوند و بنده او است، با تعهد میان زن و شوهر یکسان است. در ملاکی خداوند گفته که زن و شوهر، در تعهد بهم یکی میشوند، و در حزقیال این تعهد را عملاً می‌بینیم. ”عهد“ و ”جوانی“ که در امثال و ملاکی قید شده عهد ازدواج می‌باشند. ضمناً باید به این نکته اشاره کرد که در این آیات زن و شوهر هر دو یار و همدم همسر خود خوانده شده‌اند، و در نتیجه هر دو باید یار و همدم دیگری باشند، و نه تنها شوهر. هر دو در پیشگاه خداوند است که با یکدیگر عهد بسته‌اند.

### رومیان ۷

۲: برای مثال، بنابر شریعت، زن شوهردار تا زمان زنده بودن شوهرش، به او بسته است. اما اگر شوهر بمیرد، زن از قید تعهد شرعی به وی آزاد می‌شود.

منظور من از تعریف تعهد ازدواج بعنوان توافق رسمی و الزام آور چیست؟ شاید بهترین راه رسیدن به جوهر این موضوع، نقل رویدادی است که در پیدایش ۱۵: ۸ تا ۲۰ کتاب مقدس ذکر شده، و در آن خداوند وارد عهد با ابراهیم گردید (این آیات را بخوانید تا بتوانید مطالب را دنبال کنید). در آیه ۱۰، می‌خوانیم که حیواناتی دو تکه شدند و در مقابل هم گذارده شدند. آنگاه وقتی آفتاب غروب کرد و تاریکی غلیظی همه جا را فرا گرفت (آیه ۱۷)، چراغی مشتعل (که نشانه حضور خداوند بود) از میان آنها عبور نمود. منظور از اینها چه بود؟ وقتی عهد بسته می‌شد، در اسطلاح عبرانی آن عهد ”بریده“ می‌شد. شخص عهد را نمی‌بست، آن را ”می‌برید“. عهد بقدری پر اهمیت بود، که با مرگ و دو تکه شدن (حیوان) همراه بود. با این عمل، شخص اظهار می‌داشت که قسم خود را تا پای مرگ نگاه خواهد داشت. او با این عمل می‌گفت که اگر در عهد خود وفادار نبود، حاضر بود مانند آن حیوان تکه تکه شود. در عهد میان خداوند و ابراهیم، خدا لعن تعهد را به خود گرفت، و با آن اعلام کرد که من حاضرم تکه تکه شوم اگر عهد خود را به پایان نرسانم. تشبیه دلیرانه و بی‌باکی بود، و در صورت بی‌وفایی

نسبت به تعهد، نتیجه حولناکی را نمایان میساخت، و به این دلیل است که من ازدواج را تعهدی الزام آور و دائم العمر عنوان کرده ام.

اکثر مسیحیان آموزش کافی در خصوص این مطالب ندارند. وظیفه کشیش و مشاوران کلیسا است که این اصول را آموزش دهند و در جلسات مشاوره ازدواج بعنوان اخطار بکار ببرند. خداوند ازدواج را از دیدگاه خود می بیند، حال چه انسان آن را آن شکل ببیند چه نبیند. همانطور نیز خداوند قوم یهود را که وارد عهد با او شده بودند، مسئول نگاه داشتن شرایط آن می دید، چه ایشان آنرا درک میکردند و قصد آن را می داشتند یا نه.

در این فصل از کتاب، من شروع به سخن راجع به بنیاد فرایض غلط مسیحیان از ازدواج نمودم. مشاوران کلیسا باید خود را با مفهوم عقاید کتاب مقدس که عنوان شد آشنا بسازند، و آنوقت آن ها را به دیگران نیز آموزش دهند. در نتیجه، دارای اهمیت فوق العاده ای است که مشاوران کلیسا بطور کامل آن ها را درک کرده باشند و بتوانند آنرا درس داده و استدلال کنند. این فصل را تا زمانی که استاد مطالب آن نشده اید، رها نکنید. آنچه در آن می آموزید، بنیادی خواهد بود بر تمام آنچه خواهید کرد.

## تکلیف

هر شاگردی از یک عقیده عنوان شده، برای رسیدگی به موردی (واقعی یا ساختگی) – مجدداً یادآوری میکنم که اسم اشخاص را فاش نکنید) که در نتیجه غلط، منجر به تیرگی روابط زناشویی شده استفاده کند و با هدایت معلم خود، آنرا به کلاس تقدیم کند.